

تاریخ معاصر (کودتای 28 مرداد)

سرزمین ایران در طول تاریخ شاهد حوادث و وقایع گوناگونی بود که با حضور استعمار در ایران رنگ و لعاب پذیرفته بودند. با گذشت زمان سیطوره‌ی همه‌جانبه‌ی استعمارگران، با همکاری استبداد حاکم در ایران، خصوصاً در دوره‌ی پهلوی، تا آن جا پیش رفت که اینان هرگونه حرکت ضد استعماری و استقلال طلبانه را خطری جدی برای منافع خود تلقی می‌کردند و در مقابل آن صف کشیده، آن را سرکوب می‌نمودند. در این میان قیام مذهبی - ملی مردم ایران برای ملی نمودن صنعت نفت، که به نوبه‌ی خود ضربه‌ی ای بس عظیم بر پیکره‌ی استعمار انگلستان بود، حایز اهمیت است؛ ولی به دنبال اختلاف و تفرقه در صفوف رهبران و مبارزان ضد استعماری، این حرکت استقلال خواهی، با کودتای 28 مرداد سرکوب شد. در این نوشتار تلاش شده تا به گوشه‌هایی از این کودتای ننگین پرداخته و به پرسش‌هایی در این زمینه، پاسخ داده شود.

علت شکست کودتای 25 مرداد چه بود؟

رضا جعفری نوقاب

کودتای 25 مرداد 1332 توطئه‌ای بود که با مشارکت شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و همکاری وزارت خارجه‌ی انگلستان و آمریکا و سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا (سازمان سیا) طرح ریزی شد و به کمک شاه و عوامل و عناصری داخلی که برای انگلیس جاسوسی می‌کردند حاصل گردید. [1]

هدف از کودتا، سرکوب کردن نهضت ملی ایران و جلوگیری از ملی شدن نفت و عزل دکتر مصدق بود.

طبق برنامه، قرار بود کودتا در 25 مرداد ساعت 22 اجرا و سرلشکر زاهدی به نخستوزیری انتخاب شود. عملیات کودتا به عهده‌ی سرهنگ نعمت‌الله نصیری فرمانده‌ی گارد شاهنشاهی بود و او وظیفه داشت:

1. از سرلشکر زاهدی حفاظت کند؛

2. سرتیپ ریاحی، رییس ستاد ارتش و اعضای دولت مصدق را دست گیر کند؛

3. نقاط مهم پایتخت را اشغال و ارتباطات تلفنی را قطع کند؛

4. دکتر مصدق را دست گیر کند و فرمان عزل او را به دستش بدهد.

اما کودتایی که در شب 25 مرداد به وقوع پیوست در سایه‌ی درایت و خون سردی نخست وزیر، دکتر مصدق، و ابتکار و فداکاری سرهنگ ممتاز و سروان فشارکی و محافظان خانه‌ی نخستوزیر شکست خورد. [2]

از جمله عوامل شکست کودتا در روز 25 مرداد عبارت اند از:

1. اطلاع یافتن مصدق از جریان کودتا: برخی از عوامل اطلاعاتی حزب توده در ارتش، که با مصدق نیز ارتباط خویشاوندی داشتند، از توطئه‌ی کودتا باخبر شده بودند و دکتر مصدق را آگاه کردند و حتی در روزنامه‌ی شجاعت در شماره‌ی 23 مرداد نوشته شد:

دشمنان ملت و نوگن. دربار در رأس یک توطئه قصد دارند که زمام امور را به دست بگیرند و نهضت ضد استعماری ملت ما را به نفع اربابان خود خفه سازند.

پس چون اسرار کودتا برای مصدق فاش شد، فرمان آماده باش برای نیروی انتظامی صادر کرد و حمله‌ی گارد شاهنشاهی به پایتخت با شکست مواجه شد. [3]

2. تأخیر در امضای احکام عزل مصدق و انتصاب زاهدی: روزولت که خود فرمانده عملیات کودتا در ایران بود می‌گوید:

به دلیل تأخیری که علت آن معلوم نشد، فرمان‌ها قبل از حرکت شاه به شمال ایران، برای امضا به دست وی نرسید و بعد از امضای

شاه نیز دیر به تهران رسید و روز بعد، که پنج شنبه و آخر هفته بود، تمامی نیروها در استراحت بودند و لذا تا شنبه کاری میسر نبود. در این فرصت، مصدق که از توطئه آگاهی یافته بود از فرصت استفاده کرد و اقدامات پیش گیرانه ای را برای سرکوب کودتا به عمل آورد.[4]

3. حضور گسترده ی مردم در حمایت از مصدق: همکاری و وفاداری مردم و حضور گسترده ی آنها در صحنه به مجرد اطلاع یافتن از جریان کودتا، باعث شد مصدق کودتاچیان را دست گیر کند؛ زیرا مردم به محض اطلاع از جریان کودتاچیان به طرف دارای از مصدق وارد عمل شدند و کاخ شاه را در سعآباد به محاصره درآوردند و کودتاچیان را در آن جا دست گیر و توقیف کردند و مأموران طرف دار مصدق را - که کودتاچیان در آن جا زندانی کرده بودند - آزاد ساختند.[5]

حسین فردوست به عوامل دیگری برای شکست کودتای 25 مرداد اشاره دارد که بدین قرار است:[6]

1. چون عده ی زیادی از کودتا آگاه بودند، مسأله افشا شد. وی آگاهان از کودتا را افرادی چون نصیری، زاهدی، 3 فرمانده واحد کودتا، 2 افسر گارد زاهدی و تعدادی از افسران و درجه داران 3 واحد کودتا می داند.

2. ساعت 10 شب وقت مناسبی برای کودتا نبود؛ چراکه تاریکی هوا برای نیروهای کودتا مشکلاتی ایجاد کرد.

3. عدم پیش بینی نحوه ی عمل ریاحی (وزیر دفاع)، سپه پور (فرمانده نیروی هوایی) و امینی (فرمانده ژاندارمری) که هر سه به طرف داری از مصدق معروف بودند.

4. عدم حضور زاهدی به عنوان فرمانده کودتا در واحد مأمور حمله به خانه ی دکتر مصدق.

به نظر فردوست اگر زاهدی خود شخصاً در این واحد حضور می داشت، حداقل این واحد به وظیفه ی خود عمل می کرد.

5. عدم حضور شاه در تهران که در عمل واحد کودتا شدیداً مؤثر بود. فردوست به نقل از یکی از فرماندهان واحد کودتا می گوید:

زمانی که فهمیدیم شاه به نوشهر رفته، جرئت اجرای طرح کودتا را در خود ندیدیم.

بعد از شنیدن خبر کودتا، شاه ایران به همراه ثریا و چند تن دیگر از توطئه گران به بغداد گریختند و از آن جا به رُم رفتند و ملت ایران هم که طرف دار دولت مصدق بود، در صبح روز 25 مرداد در خیابان ها ریختند و تظاهراتی علیه شاه و کودتاچیان به راه انداختند؛ اما دکتر مصدق در عین حالی که همه چیز با شکست کودتای 25 مرداد به نفع او رقم زده شده بود، از فرصت استفاده نکرد و با آن که می توانست با پشتوانه ی مردمی و نظامی به خلع سلطنت محمد رضا شاه پردازد، چون معتقد به سلطنت بود، دست به این کار نزد و کودتاچیان با استفاده از فرصت توانستند در مدت زمان کوتاهی، یعنی در 28 مرداد 1332 با کمک بیگانگانی چون انگلستان و آمریکا در طی یک کودتای دیگر دولت مصدق را شکست دهند و سرلشکر زاهدی را به سمت نخست وزیری انتخاب کنند و مصدق به دستور شاه 3 سال زندانی شد و بقیه ی عمرش را در تبعید به سر برد و کسی غیر از فرزندانش حق تماس با او را نداشت، تا این که در سال 1346 از دنیا رفت و در همان محل تبعیدش، که ملک شخصی او بود، به خاک سپرده شد.

نقش دولت های آمریکا، انگلیس و شوروی در کودتای 28 مرداد چه بوده است؟

سید علی خیرخواه علوی

پس از آغاز جنگ جهانی دوم در کشورهای جهان سوم تحت سلطه ی قدرت های استعماری، حرکت هایی با هدف نفی استعمار آغاز شد. در ایران نیز، به دنبال اشغال نظامی آن توسط روسیه، انگلستان و آمریکا، عصر جدیدی از حرکت های اجتماعی به منظور نفی سلطه ی خارجی، توسط علما، روشن فکران و بخشی از بازاریان ظهور نمود. با سقوط حکومت دیکتاتوری رضاخان و شروع حکومت متزلزل محمد رضا، این حرکت ها شتاب بیش تری به خود گرفت و در این میان حتی مجلس های دهه ی بیست نیز وارد فعالیت علیه استعمار و امتیازخواهی بیگانگان شدند.

با توجه به اهمیت و جایگاه خطیر نفت در اقتصاد جهان، خصوصاً در کشورهای استعمارگر، مجلس چهاردهم در مقابل امتیازخواهی بیگانگان صف کشید. در مجلس های بعدی نیز به تبع فضای جامعه، مسئله ی ملی شدن صنعت نفت و کوتاه نمودن دست های انگلیس و روس از منابع نفتی کشور مطرح گردید. در پی مبارزات رهبران مذهبی و ملی و تصویب این طرح و توفیق ایران در عرصه های جهانی، انگلستان و به دنبال آن آمریکا احساس خطر نمودند و برای سرکوب این حرکت و جلوگیری از سرایت آن به سایر

مستعمرات، دوشادوش یکدیگر اقداماتی را آغاز نمودند. در داخل کشور نیز شاه جوان که به دنبال دست یابی به نظامی استبدادی، همانند پدر معدوم خود بود و آن را به دلیل وجود رهبران مذهبی و سیاسی، از دست رفته می دید، با کناره گیری ظاهری از قدرت، موافقت خود را با نقشه ها و طرح های استعماری اعلام نمود.

انگلستان و طرح اولیه ی کودتا

چنان که گذشت، در پی ملی شدن صنعت نفت در ایران و کوتاه شدن دست انگلستان از ذخایر نفتی و بی نتیجه ماندن مذاکرات، انگلیس سرنگونی دولت مصدق را تنها راه بازگشت سلطه ی خود می دید؛ لذا در گام اول کریستوفر وود هاوس، طراح اولیه ی نقشه ی کودتا، به نمایندگی از کشور خود، در طی نوامبر و دسامبر 1952 / آبان و آذر 1331 نشست هایی را درباره ی سرنگونی دولت ایران با نمایندگان بخش خاور نزدیک و آفریقای وزارت خارجه ی آمریکا در واشنگتن برگزار نمود. از سوی آمریکا نیز کریمت روزولت (نوه ی تئودور روزولت، رئیس جمهور اسبق آمریکا) حضور داشت.

آمریکاییان در ابتدا چون اعتقاد به سرنگونی مصدق نداشتند، و از طرفی درصدد کسب سهمی از نفت ایران برای خود بودند، روی خوشی به طرح های انگلستان نشان ندادند؛ [7] در مقابل، انگلستان که موفقیت طرح کودتا را تنها در گرو مشارکت آمریکا می دانست، [8] به منظور جلب توجه آنان، مکرر خطر کمونیزم را در ایران گوشزد می نمود. وود هاوس خود می گوید:

چون نمی خواستم متهم شوم بر این که می خواهم برای نجات منافع بریتانیا از کیسه ی آمریکایی ها بذر و بخشش کنم، به جای تأکید بر پس گرفتن کنترل صنعت نفت، تصمیم گرفتم بر خطر کمونیزم در ایران پافشاری کنم. [9]

ولی با شروع ریاست جمهوری آیزنهاور در ژانویه ی 1953، و با پیشنهاد سهم چهل درصدی از نفت ایران برای خود، آمریکاییان رفته رفته به این طرح روی خوش نشان دادند [10] خصوصاً زمانی که دولت مصدق آخرین پیشنهاد انگلستان در مورد رفع بحران نفت در ایران را نیز - که با وساطت آمریکا مطرح گردید - رد کرد. البته در این میان تهدید چرچیل (نخست وزیر انگلستان) را در ملاقات با آیزنهاور نباید نادیده گرفت. چرچیل در این ملاقات تهدید کرد که اگر آمریکا برای حل مشکلات نفت به انگلیس کمک نکند، انگلیس مانند 1907 به شوروی نزدیک می شود و ایران را به دو منطقه تقسیم می نماید. [11] در نتیجه، در 18 مارس 1953، 27 اسفند 1331، آمریکا، در پیامی، آمادگی خود را برای مذاکره درباره ی جزئیات تاکتیک براندازی مصدق، به وزارت خارجه ی انگلیس اعلام نمود. [12]

به گفته ی وودهاوس، انگلیسی ها در طرح خود دو بخش جداگانه، اما هماهنگ را پیش بینی کرده بودند:

1. تشکیلات افسران عالی رتبه ی ارتش و پلیس، نمایندگان مجلس شورا و سنا، تجار، سردبیران روزنامه ها، سیاست مداران سالخورده و نیز سردم داران تظاهر کنندگان: این نیروها جملگی تحت سرپرستی برادران رشیدیان، که از مدت ها پیش با حقوق ماهیانه ده هزار پوند، مقدمات فروپاشی دولت مصدق و کودتا را برای انگلیس آماده کرده بودند، هدایت و سرپرستی می شدند و باید کنترل تهران را به دست گرفته، مصدق و وزرایش را بازداشت می کردند.

2. سران عشایر: که باید در شهرهای عمده ی جنوب به قدرت نمایی می پرداختند و در صورت مقاومت حزب توده، این افراد شهرهای کلیدی، مثل اصفهان و آبادان را متصرف می شدند. [13]

در پی اعلام موافقت آمریکا با طرح کودتا، انگلستان برادران رشیدیان را با نیروهای آمریکایی کودتا مرتبط ساخت و در واقع با این عمل، به ظاهر، تمامی کارها را به آمریکا سپرد و خود از صحنه خارج شد.

نقش آمریکا در کودتا

با تصمیم گیری نهایی آمریکاییان در اسفند 1331 برای اجرای طرح کودتا، نشست های متعددی بین سازمان های جاسوسی و وزارت خارجه ی آمریکا و انگلیس برگزار شد و دو کشور توافق کردند که زاهدی را به عنوان جانشین مصدق به نخستوزیری منصوب نمایند. انگلیس صدمات زیادی، هم از جهت اقتصادی و هم سیاسی، در طول جنگ دوم جهانی خورده بود و از طرفی پیشینه ی استعماری این کشور بر مردم ایران کاملاً آشکار بود و تلاش های او در جهت مانع تراشی بر ملی شدن صنعت نفت ایران بر کسی پوشیده نبود؛ از این رو انگلیسی ها تلاش کردند که آمریکا بازی گردان اصلی کودتا شود، تا هم از لحاظ مالی کم تر خود هزینه نمایند و هم پیامدهای منفی کودتا گریبان گیر آنها نشود. حتی وقتی کریمت روزولت تصمیم گرفت کتابی در خصوص کودتای 28 مرداد بنویسد، انگلیس از او خواست که به نقش انگلستان در این ماجرا اشاره نکند. [14]

از سوی دیگر، آمریکاییان پس از پایان جنگ جهانی دوم به دنبال ضعف اقتصادی استعمارگران کهنه (فرانسه، روسیه و انگلستان) با نیرویی مضاعف وارد عرصه ی استعمارگری شده بودند؛ اما چون در همه جا رد پای دیگر استعمارگران را می دیدند و جایی برای خود نمی یافتند، برای کوتاه کردن دست آنان و تثبیت حضور خود، از حرکت های ضد استعماری حمایت می کردند، ولی هر گاه احساس می کردند رشد این حرکت ها به ضرر منافع آمریکاست، خود به سرکوب آن می پرداختند. این امر در مسأله ی ملی شدن صنعت نفت و سپس کودتای 28 مرداد به وضوح دیده می شود. آمریکاییان در حرکت ملی شدن نفت، به منظور فشار بر روی انگلستان برای در نظر گرفتن سهم آمریکا در نفت ایران، تلویحاً حمایت خود را از ایران ابراز می داشتند؛ اما هنگامی که توانستند سهمی از نفت ایران را برای خود دریافت نمایند و تداوم این حرکت را موجب صدمات جبران ناپذیری به منافع آمریکا در منطقه می دیدند، در کنار انگلستان قرار گرفتند و تمام توان خود را برای سرکوب نهضت ضد استعماری ایران به کار بستند. در این میان وزارت خارجه و سازمان جاسوسی سیا اقدامات وسیعی صورت دادند که به مواردی از آن اشاره می کنیم:

در گام اول جلسات متعددی در نقاط مختلف جهان، از جمله: واشنگتن، نیکوزیا، لندن، بیروت و... برگزار گردید و کارشناسان آمریکایی و گاه انگلیسی در طراحی مراحل مختلف کودتا تبادل نظر کردند. [15] از سوئی در تهران، مرکزی برای هدایت و کنترل کودتا ایجاد شد و بودجه ای بالغ بر 1000000 دلار برای براندازی دولت مصدق به این مرکز تخصیص داده شد. [16]

هم چنین کمک های مالی دیگری نیز به دست اندرکاران ایرانی طرح پرداخت شد که از آن جمله می توان به اعطای وام چهل و پنج هزار دلاری به یکی از وابستگان [17] و یا پرداخت مبالغی هنگفت به زاهدی اشاره کرد. [18]

سیا در مورد ایجاد جنگ های روانی و تبلیغاتی در ایران نیز اقدامات گسترده ای انجام داد؛ اینان به گروه هنری خود سفارش کردند که کاریکاتورهایی از مصدق آماده نمایند تا در زمان مناسب نسبت به چاپ آنها در روزنامه ها و انتشار در بین مردم اقدام کنند. [19] هم چنین مأموران سیا، از طریق تبلیغات «سیاه» [20] به نام حزب توده، در اعلام خطر به رهبران مذهبی در تهران توجه خاص مبذول می نمودند و این رهبران را تهدید می کردند که در صورت مخالفت با مصدق، سخت مجازات می شوند. به برخی از آنان به نام حزب توده تلفن های تهدیدآمیز شد و حتی یکی از چند بمب گذاری ظاهری خانه های این رهبران توسط مأموران آمریکا به مرحله ی اجرا در آمد. [21]

یکی دیگر از مهم ترین اقدامات سیا، «جلب رضایت شاه» برای اجرای کودتا بود. شاه زمانی که روزولت، مأمور سیا، به عنوان فرمانده عملیات کودتا از طریق مرز عراق وارد ایران شد، هنوز با طرح کودتا موافقت نکرده بود؛ لذا در مرحله ی اول آمریکاییان از طریق اشرف پهلوی - که در این زمان در فرانسه اقامت داشت - [22] و سپس از طریق شوارتسکف رییس سابق ژاندارمری ایران - که مورد اعتماد محمد رضا شاه بود و بعد از ورود روزولت به ایران او نیز وارد کشور شده بود - تلاش هایی را برای کسب اعتماد و رضایت شاه انجام دادند. [23] حتی خود روزولت نیز در چند نوبت، از طریق برادران رشیدیان، ملاقات هایی را با شاه انجام داد، [24] ولی همه ی این اقدامات بی نتیجه ماند و تنها زمانی که روزولت توانست از طریق دو رمز رادیویی مشخص، پشتیبانی آمریکا و انگلیس را از طرح کودتا و شخص شاه اعلام نماید، شاه موافقت خود را با طرح کودتا اعلام کرد. این دو رمز، یکی در سخنرانی آیزنهاور، رییس جمهور آمریکا در روز 13 مرداد و دیگری در برنامه ی فارسی بی بی سی آورده شد. [25] ماه به مجرد شنیدن پیام آیزنهاور با رشیدیان ملاقات نمود و به دنبال آن در 19 مرداد با حسن اخوی، از مجریان طرح کودتا، دیداری داشت. در طرح کودتا گنجانده شده بود که شاه باید دو حکم عزل مصدق و انتصاب زاهدی به نخست وزیری را قبل از کودتا امضا کند، ولی شاه علی رغم موافقت با طرح کودتا، از امضای هرگونه ورقه ای خودداری نمود. این عمل شاه، که هنوز دلالت بر تردید او در انجام کودتا داشت، با تهدید روزولت مواجه شد. روزولت از طریق برادران رشیدیان پیغام داد که اگر شاه ظرف چند روز آینده اقدامی نکند، وی با بزاری تمام ایران را ترک خواهد کرد. این تهدید کارساز شد و شاه قبول کرد که به محض آماده شدن احکام عزل و نصب، آنها را امضا کند. [26]

از دیگر اقدامات آمریکا باید به ایجاد جنگ اعصاب علیه مصدق و دولت او اشاره کرد. از آن جا که مصدق شدیداً وابسته و امیدوار به حمایت های آمریکا بود، آمریکاییان توانستند با کاهش ملاقات های خود با مسئولین ایرانی و هم چنین اظهار نظر و موضع گیری علیه ایران در مجامع جهانی، روحیه ی دولت ایران را تضعیف کنند. این امر حتی در ملاقات سفیر ایران در آمریکا با جرنگان قائم مقام بایرود، معاون وزارت خارجه ی آمریکا نیز مطرح گردید. سفیر ایران در این نشست اظهار داشت:

بعد از عدم موافقت ایران با آخرین پیشنهاد انگلستان، اولیای درجه ی اول آمریکا ظاهراً از خود یک نوع حالت خشم و عصبانیت نسبت به ایران ابراز می دارند.

هم چنین می گوید:

در صورتی که آقای وزیر خارجه از فعالیت های کمونیزم در ایران نگران است، چه می شود که به جای کمک به چنین دولتی و تقویت بنیه ی اقتصادی ملت ایران برای مقاومت در برابر کمونیزم، ایران را از کمک های خود محروم می سازد. [27]

پس از این اقدامات بود که کودتای آمریکایی و انگلیسی در ساعت یک و سه دقیقه ی بامداد روز 25 مرداد آغاز می گردد، ولی به عللی که به آن اشاره شد، این کودتا با شکست مواجه می گردد و عناصر کودتا دست گیر و یا در مکان های نامشخصی مخفی می شوند. تهران در پی شکست کودتا، در روزهای 25 و 26 مرداد، شاهد تظاهرات و میتینگ های متعددی از سوی ملی گرایان و طرف دارن حزب توده بود و در این میان اقداماتی چون به آتش کشیدن مراکز وابسته به سلطنت، پایین کشیدن مجسمه های رضاخان و محمدرضا و سردادن شعارهایی علیه شاه نیز بارها دیده می شد. با توجه به سیاست انگلیس و آمریکا در زمینه ی متشنج نشان دادن اوضاع مملکت و حضور گسترده ی کمونیسم در ایران، بعید به نظر نمی رسد که دست های استعمار در این اعمال و اقدامات دخالت داشته باشد؛ [28] چرا که در نتیجه ی این اقدامات این احتمال وجود داشت که رهبران مذهبی و طرف داران آنها از حمایت دولت مصدق دست برداشته، برای پرهیز از افتادن به دام کمونیست در برابر کودتا مقاومت نکنند. مجموعه اقدامات سیا و کرمیت روزولت، مصدق را مجبور به ملاقاتی با هندرسن، سفیر کبیر آمریکا، در عصر روز 27 مرداد می کند. [29] سروان فشارکی (مهران) افسر محافظ منزل دکتر مصدق می گوید:

در این روز هندرسن به اتفاق علی پاشا صالح به خانه ی مصدق آمدند و مذاکرات محرمانه ای با مصدق داشتند که هیچ گاه مطالب گفته شده در این جلسه فاش نشد. اگر روزی متن این مذاکرات فاش شود، شاید علت عدم تحرک دکتر مصدق در مقابل کودتاچیان روز 28 مرداد معلوم گردد. [30]

در پی این اقدامات طرح کودتا با تغییراتی، در صبح روز 28 مرداد به مرحله ی اجرا درآمد. از سویی با انتشار عکس هایی از حکم عزل مصدق و انتصاب زاهدی به نخست وزیری در جراید روز 28 مرداد، افکار عمومی علیه مصدق تهییج شد؛ خصوصاً این که آمریکا و محمد رضا تبلیغات گسترده ای نیز به راه انداخته بودند، مبنی بر این که شاه به سبب تهدیداتی که از سوی مصدق به جان او شده بود ایران را ترک نموده است؛ از سوی دیگر برادران رشیدیان با جمع آوری اراذل و اوباش و قداره بندهای باشگاه ها و بعضی از محلات جنوب تهران با راه انداختن 4 دسته، نقاط حساس شهر را تصرف کردند. [31] روزولت نیز با گذاشتن اسلحه ی کمری خود بر شقیقه ی یکی از فرماندهان تانک، اولین تانک کودتای 28 مرداد را به خیابان ها کشانید [32] و بدین شکل، کودتای 28 مرداد آغاز شد و تقریباً تا ظهر همان روز تهران به کنترل کودتاچیان درآمد.

نقش شوروی در کودتای 28 مرداد

برای شناخت نقش شوروی در این کودتا، باید به عملکرد شوروی در سال های مبارزه و نهضت ملی ایران پرداخت. شوروی مستقیماً در کودتا مداخله ننمود، ولی اقدامات نیروهای وابسته به او در طول حضور مصدق در صحنه، سیاست حمایت شوروی را از سیاست های استعمار انگلستان و آمریکا نشان می دهد.

شوروی در نهضت ملی شدن صنعت نفت، به ظاهر از ایران حمایت می کرد، ولی از خرید نفت ایران، علی رغم تقاضاهای مکرر ایران، خودداری نمود؛ در دادگاه لاهه برای خودداری از دادن رأی به نفع ایران، نماینده اش مریض می شود و در جلسه ی رأی گیری شرکت نمی کند؛ در دوره ای که کشور دچار بحران اقتصادی بود، از پرداخت 11 تن طلای بدهی خود به دولت مصدق خودداری نمود و آن را پس از کودتا تقدیم دولت کودتا کرد؛ شوروی هم چنین اولین دولتی بود که رژیم کودتا را به رسمیت شناخت؛ از سوی دیگر حزب توده و کمونیست های تحت حمایت شوروی در ایران نیز، هم سو با اربابان خود، در تمامی صحنه ها حضور داشتند. در جریان ملی شدن صنعت نفت در طول 6 ماه 4 شعار عوض کردند: «تجدید نظر در قرارداد الحاقی»، «لغو قرارداد الحاقی»، «لغو قرارداد 1933» و بالاخره «ملی شدن نفت جنوب» به شعار اول، تنها جنبه ی اقتصادی مسئله را مورد توجه قرار داده و مستلزم بقای انگلستان و بستن قراردادی بهتر با اوست. در شعار چهارم، که پس از تثبیت شعار نیروهای ملی - مذهبی بود، این حزب به اکراه به ملی شدن تن داد، ولی باز هم نفت شمال را که در حیطه ی نفوذ شوروی بود، از این قاعده مستثنا می کند. از دیگر اقدامات این حزب می توان به ایجاد ناامنی و هرج و مرج از طریق تظاهرات و میتینگ ها، شکستن شیشه ها، آتش زدن اتوبوس ها و... نام برد که عاصی نمودن مردم و بدبین کردن آنها به حکومت ملی را به همراه داشت؛ هم چنین این حزب طی حکومت مصدق بیش از 200 اعتصاب در مؤسسات اقتصادی به راه انداخت و خرید اوراق قرضه ی دولت را تحریم کرد که در جای خود ضربات بسیار شدیدی بر اقتصاد آشفته ی کشور وارد نمود. [33]

[1]. عبدالرضا معبدی، مصدق رهبر نهضت ملی ایران، (تهران: نشر مفتون، چ اول، 1376)، ص 102.

[2]. غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد، (تهران: نشر شرکت سهامی، چ اول، 1364)، ص 375.

- [3]. کورش زعیم، جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای 28 مرداد، (تهران: نشر تاخ، چ اول)، ص 280.
- [4]. سی. ام. وودهاوس، اسرار کودتای 28 مرداد، ترجمه نظام الدین دربندی، (تهران، چاپ افست، 1364)، ص 78.
- [5]. نجمی ناصر، دکتر مصدق بر مسند حکومت، (تهران: نشر پیکان، چ اول، 1377)، ص 267.
- [6]. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول، (تهران: مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، چ ششم، 1373)، ص 177 - 178.
- [7]. اسرار کودتا، ترجمه ی حمید احمدی، (تهران: نشر نی، چ اول، 1379)، ص 29 - 30.
- [8]. سی. ام. وود هاوس، اسرار کودتای 28 مرداد (خاطرات وود هاوس)، ترجمه ی نظام الدین دربندی، (تهران: نشر راهنما، چ اول، 1364)، ص 37.
- [9]. همان، ص 54.
- [10]. همان، ص 68 - 69.
- [11]. محمود تربتی سنجابی، کودتا سازان، ص 127.
- [12]. اسرار کودتای 28 مرداد، ص 69 و محمد دهنوی، «برگ هایی از تاریخ»، مجله ی تاریخ معاصر ایران، کتاب اول، (مؤسسه ی پژوهشی و مطالعات فرهنگی، چ دوم، زمستان 1372)، ص 186.
- [13]. اسرار کودتای 28 مرداد، ص 55 - 56.
- [14]. همان، ص 19.
- [15]. اسرار کودتا، ص 33، 39 و 40.
- [16]. همان، ص 31.
- [17]. همان، ص 52.
- [18]. حسین فردوست، ظهور و سقوط پهلوی، ج 1، (تهران: انتشارات اطلاعات، سوم، 1370)، ص 180.
- [19]. اسرار کودتا، ص 37.
- [20]. تبلیغات سیاه در بحث کودتای 28 مرداد به تبلیغاتی اطلاق می شود که از سوی سازمان سیا آمریکا به نام حزب توده برای تخریب جایگاه این حزب انجام می گرفت.
- [21]. همان، ص 60 و ظهور و سقوط پهلوی، ج 1، ص 179.
- [22]. ظهور و سقوط پهلوی، ج 1، ص 172؛ اسرار کودتای 28 مرداد، ص 75.
- [23]. دو سند سازمان سیا علیه مصدق، ترجمه ی انوشه، ص 15 - 16؛ اسرار کودتای 28 مرداد، ص 75.
- [24]. اسرار کودتای 28 مرداد، ص 76.
- [25]. همان، ص 76؛ اسرار کودتا، ص 58.

- [26]. اسرار کودتا، ص 59.
- [27]. مجله تاریخ معاصر ایران، ص 188 - 189.
- [28]. ظهور و سقوط پهلوی، ج 1، ص 179.
- [29]. همان، و کودتاسازان، ص 41.
- [30]. کودتاسازان، ص 41.
- [31]. دو سند سازمان سیا علیه مصدق، ص 20; کودتا سازان، ص 104 - 105.
- [32]. دو سند سازمان سیا علیه مصدق، ص 11.
- [33]. نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، بیانیه ی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، (چ دوم، 1358)، ص 66 - 75.